

# روابط همسالان در میان کودکان و نوجوانان

ترجمه: شروین شمالی

روابط اجتماعی برای اکثر کودکان، در قالب «پبوند دوستی» شکل می‌گیرد. کودکان خواهان دوستی با کسی هستند که آرزوهای خود را برای وی بازگو کرده، بذل و بخشش کنند و همبازی او باشند. اینگونه دوستی‌ها غالباً بین دو نفر شکل می‌گیرد. کودک ممکن است در قبال چندین نفر (گروههای بزرگتر) احساس محبت کرده و به آنها اعتماد نماید، اما دل بستگی به دوست صمیمی ویژگی خاص خود را دارد، که از بعضی جهات مشابه دل بستگی مادر و فرزند است.

نیات و بقای دوستی‌های کودکان غالباً در صورت تماس و یا مجاورت با یکدیگر بوده و جدایی برای آنان ناراحت کننده است. دوستان در شرایط دشوار و غریب، چنان حس امنیت و تعلق خاطر را در همدیگر فراهم می‌سازند که غالباً از آشنایان انتظار نمی‌رود. (Schwarte, 1972)

کودکان از دوستی با دوستان خود لذت می‌برند و به آنها اعتماد می‌کنند. دوستی‌ها معمولاً متقابل بوده و در عین حال بسیار آسیب‌پذیر است و برخلاف دل بستگی کودک به مادر «عوامل محافظ» ضامن بقای آنها نمی‌باشند. دوستان از دشنام گویی و یا غفلت و مسامحه ابایی نداشته و داعیه هیچگونه حق و حقوق یا تعهدی را هم ندارند.

انتظار می‌رود که کودکان در قبال دوستان خود تعهداتی داشته باشند، با این حال عمر این گونه دوستی‌ها بسیار کوتاه است.

دوستی‌ها مستلزم آنند که هر دو طرف یکدیگر را دائماً تأیید کنند. علی‌رغم بی‌نیازی این گونه روابط، تبادلات فکری و تجارب عاطفی - اجتماعی که در خلال دوستی‌ها حاصل می‌شوند، ممکن است به همان نسبت رخدادهایی که با دل بستگی کودک به اعضای خانواده شکل می‌گیرد، در رشد و تحول کودک اهمیت داشته باشد. همه پدر و مادرها مطمئن هستند که کودکانشان دوستان دارند. اما این خواب و خیالی بیش نیست. اگر به دقت مراقب فرزندتان باشید (بین ۸/۵ تا ۱۰ سالگی) که دوستی برای خود پیدا کرده درمی‌یابید، کیفیت روابط او نسبت به گذشته فرق کرده است. این بدان معناست که دیگران برای کودک رفته رفته اهمیت پیدا کرده و بی‌شک میزان حساسیت وی در قبال آنها متحول می‌شود. آغاز دوران تحولی بیش از بلوغ (نوجوانی) به واسطه ظهور گرایشهای بکپارچه که جنبه تکامل یافته آنان را عشق می‌نامیم، یا به بیان دیگر نعلنی نیاز به صمیمیت با دیگری، مشخص می‌گردد (Sullivan, 1953) محققین، آنگونه که باید به مطالعه گسترده دوستی‌های کودکان نپرداخته‌اند. اطلاعات ما در زمینه برقراری روابط دوستانه بجز ویژگیهایی که کودک را برای نخستین بار جذب دیگری می‌کند، اندک است. پژوهشگران از چگونگی تحول برداشت ذهنی کودک از مفهوم دوستی در سنین مختلف در مقایسه با شیوه رفتار دوستان با یکدیگر، شواهد و مدارک بیشتری را ارائه داده‌اند. همچنین در بررسی خصوصیات کودکانی که دوستان صمیمی بسیاری دارند در مقایسه با آنان که دوستی ندارند، به نسبت مطالعه شباهتهای رفتاری و نگرشی بین دوستان، کمتر توجه شده است.

منبع ترجمه:

Hand Book of Child  
Psychology, Mussen and  
others, 1983,  
Vol.3 New York

## ● برداشت کودک از دوستی ها

تلقی کودکان از دوستی را می توان به واسطه نحوه سخن گفتن از دوستان و یا نوشته هایشان بررسی کرد. شمار بسیاری از مطالعات حکایت از آن دارند که نظام ادراکی مورد استفاده کودک برای توصیف دوستانش و نیز انتظارات خاص وی از دوستی طی سالهای پیش از ورود به دبستان تا نوجوانی دستخوش تحول می گردد. در این مقاله تنها خلاصه ای از مطالعات پژوهشگران در این زمینه ارائه شده است. این مطالعات نشان می دهند که کودکان پیش دبستانی به هنگام صحبت از دوستان خود از واژه های محدودی استفاده می کنند که برای بزرگسالان قابل فهم باشد. برداشت ذهنی کودکان پیش دبستانی از دوست یکسان است. با این حال، برخی از محققان با طرح پرسشهایی چند از خردسالان در رابطه با خصوصیتی که از یک دوست انتظار می رود، هیچ یک در حد رابین (۱۹۸۰) موفق نبوده اند.

با این حال هایز (۱۹۷۸) هم با صبر و حوصله از کودکان ۴ ساله پرسش بعمل آورد و توانست از فحوای کلام ۴۰ کودکی که بهترین دوستانشان را دوست داشته و یا ۳۲ کودکی که از شخص بخصوصی متنفر بودند دست کم یک دلیل را دریابد.

دلایل علاقه ۴۰ کودک به بهترین دوستانشان، عموماً فعالیت های مشترک (۴۷ درصد)، بازی با آنها (۴۳ درصد)، همسایگی (۲۸ درصد) و برخورداری از نکات قابل توجه (۲۵ درصد) بود. حال آنکه، برخاشگری (۴۶ درصد)، رفتار نابجا (۳۲ درصد) و بی نظمی (تحققی از قانون دوستی) (۲۸ درصد) دلایل عمده ای بودند، که آنها برای نفرشان از کودک بخصوصی مطرح می کردند.

همگامی انتظارات کودکان از دوستی و ویژگی های مربوط به جاذبه اجتماعی، بسیار حائز اهمیت است. در میان تمامی نویسنده گانی که در این رابطه مقالاتی نوشته اند، توافق قابل ملاحظه ای به چشم می خورد. به موازات افزایش سن، تعداد سازه های میان فردی مورد استفاده، انعطاف پذیری و دقت در به کارگیری آنها، پیچیدگی و سازمان دهی اطلاعات و ایده های شخص در رابطه با دوستان خود و بازشناسی ویژگی های خاص به عنوان خصوصیات دوستان که از آشنایان متمایز می گردند، افزایش می یابد. اکثر محققین بر این باورند که تفاوت های سنی در برداشت ذهنی کودکان از دوستانشان بیشتر از تغییرات کلی در تحول شناختی، زبان و همچنین تجارب اجتماعی ناشی می شود.

بیگلولاگایا (۱۹۷۵) مقالاتی را که نوشته ۴۸۰ محصل کانادایی سال اول تا هشتم در زمینه ۲۱ مورد از انتظاراتشان از دوستی بود، طبقه بندی کردند. این طبقه بندی ها به دلیل اختلاف در تفکرات انتزاعی و شرایط مساعد برای جاذبه های اجتماعی محدود بود. تأکید آنان در این رده بندی بیشتر بر بخش «آغازین» بود. از واری اعتبار نمرات ۴۸۰ کودک اسکاتلندی (Bigelow, 1977) نیز نتایج هماهنگی بدست آمد.

یازده انتظار آغازین یادداشت شده توسط دو گروه نمونه همسالان همراه با سن افزایش می یابد. این انتظارات به قرار زیر در براتر درجه بندی شدند:

دوست به عنوان یار و یاور (۲) فعالیت های مشترک (۲) قربت و نزدیکی

(۳) ارزشیابی (۳) پذیرش (۴) تحسین (۴) تعامل فراینده (۴) وفاداری و تعهد (۵) صداقت (۶) صمیمیت (۷) و علائق مشترک (۷).  
بررسی دقیق این گونه تغییرات، بیانگر گذر انتظارات از خود محوری به جامعه محوری و از جامعه محوری به همدلی و روابط صمیمانه است. تقویت خود و تقابل (که در بالا ذکر نشده) از جمله انتظاراتی هستند که دوستان در هر سنی که باشند به آنها اشاره می کنند. این امر دال بر اهمیت اساسی ویژگی های فوق در روابط دوستانه می باشد.

تحلیل خوشه ای (بیگلولاگایا ۱۹۷۷) نشان داده که بدید آبی فردی انتظارات دوستی در سه مرحله از هم گسیخته رخ می دهد:

۱ - مرحله ارزش - پاداش که مشخصه آن ظهور فعالیت های مشترک، قربت و نزدیکی و انتظارات مشابه در حدود سال دوم یا سوم دبستان است.  
۲ - مرحله هنجاری که در آن کودک با دیگری سهم می شود (حدود کلاس چهارم، پنجم)

۳ - مرحله همدلی که ویژگی آن درک، خودافشایی و تسهیم علائق می باشد. (حدود کلاسی پنجم تا هفتم)

برزندت در سال (۱۹۷۸) با استفاده از کارتونهایی که در آنها شخصیتها، با دوست بودند یا آشنا، از کودکان کلاس سوم و ششم پرسشهایی بعمل آورد. وی از مصاحبات جداگانه نیز برای ارزیابی انتظارات کودکان از دوستی استفاده کرد. کودکان عموماً انتظار داشتند آن رسته از شخصیت های کارتونی که به هم کمک کرده و با اموال خود را با یکدیگر قسمت می کردند، دوست یکدیگر باشند با این حال تنها معدودی از آنان، آن رسته از شخصیت هایی را که با یکدیگر دعوا می کردند، دوست می دانستند.

پاسخ به مصاحبات حاکی از آن بود که کودکان انتظارات دوستی را فعالیت های مشترک، قسمت کردن اموال، کمک و یاری رساندن، و دعوا نکردن می دانستند. کودکان کلاس های بالاتر به ویژه دختران بر وفاداری و صمیمیت تأکید داشتند.

مقطع سنی آزمودنی ها در اکثر مطالعات اواسط دوران کودکی و اوایل نوجوانی بود. با این حال یکی از مطالعات، نوجوان و بزرگسال را نیز شامل می شود.

مطالعه بر روی بزرگسالان افق دید ما را در زمینه تحول انتظارات شخص از دوستی گسترش می دهد. این پژوهشگران با استفاده از نمره گذاری صورت جلسه مصاحبه ها، بر مبنای روش بیگلولاگایا، ثابت کردند که کودکان تا کلاس هشتم در بیان انتظارات خود از دوستی، حس صمیمیت، فعالیت های مشترک و وفای به عهد را عنوان می کنند. حال آنکه تنها معدودی از بزرگسالان به این ویژگی ها اشاره دارند. کودک از سال دوم دبستان به بعد، دیگر از دوست انتظاریک همبازی را ندارد.

این گونه مطالعات دلالت بر آن دارند که انتظار کودک از دوستی برای کسب لذت، عمدتاً با افزایش سن کاهش یافته، حال آنکه انتظارات سود گرایانه افزایش می یابد.

بنابراین انتظارات کودک از دوستی برای کسب لذت، به مرور زمان در نوجوانی و بزرگسالی جای خود را به توقعات سود گرایانه از دوستان می دهد. در سال (۱۹۸۰) سلمن درصدد سنجش درک کودکان از معنای روابط میان فردی<sup>۲</sup> بر مبنای تحول کلی شناختی برآمد. وی بر خلاف دیگر

\* اکثر محققین بر این باورند که تفاوت‌های سنی در برداشت ذهنی کودکان از دوستانشان بیشتر از تغییرات کلی در تحول شناختی، زبان و همچنین تجارب اجتماعی ناشی می‌شود.

\* این گونه مطالعات دلالت بر آن دارند که انتظار کودک از دوستی برای کسب لذت، عمدتاً با افزایش سن کاهش یافته، حال آنکه انتظارات سودگرایانه افزایش می‌یابد.

\* تعیین سنی که در آن نخستین بار دوستی‌ها در حین برقراری تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد، غالباً دشوار است. مادران، کودکانی را که دائماً با فرزندانشان در رفت‌وآمدند دوست می‌نامند.

\* کنش متقابل دوستانه در میان کودکان پیش دبستانی نیز در مقایسه با تعامل میان آشنایان در مواقع غیر عادی دارای رنگ عاطفی بیش از حد می‌باشد.

\* کودکانی که کارتونهای تام و جری را نگاه کرده و یا به نوارهای خنده‌دار گوش می‌کردند، مدت زمان خندیدن، لبخند زدن، نگاه کردن و صحبت کردنشان با دوستان در مقایسه با آنان که با یکدیگر غریبه بودند، طولانی‌تر بود.

\* تعامل میان کودکان دوست در مقایسه با غیر دوست رقابتی‌تر است. کودکان در رفتار با غریبه‌هایی که به آنها نیازمندتر از دوستانشانند و یا کسانی که وسایلشان را در اختیار آنها می‌گذارند سخاوتمندتر از خود نشان می‌دهند.

محققین پیش از تحلیل محتوای کلامی<sup>۳</sup>، مصاحبات بالینی را روش کار خود قرار داد. فرضیه مورد آزمایش او «درک و آگاهی از دوستی» می‌باشد که پیشروی‌های مرحله‌گونه را شامل می‌شود. این پیشروی‌های مرحله‌گونه، خود در بردارنده تحولات کلی‌تر خودآگاهی<sup>۴</sup>، دیگر آگاهی و همچنین، آگاهی از روابط گروهی می‌باشند.

پژوهشگران با فرض اینکه مفهوم سازی کودک در محدوده این قلمرو به تحول دیدگاه‌های وی بستگی دارد، چنین استدلال کرده‌اند که درک و آگاهی از دوستی طی مراحل طی که به لحاظ کیفی از یکدیگر متفاوت‌اند به صورت زنجیره‌وار (توالی مرتبه‌ای) حاصل می‌شود.

این مراحل با توجه به مقطع سنی در محدوده‌ای معین تغییر می‌یابند که عبارتند از: بازی موقتی - کمک و یاری رساندن یک طرفه - تشریح مساعی به طور موقت - صمیمیت و شراکت با دیگران - استقلال خود پیرو، این مطالعات بر همبستگی اساسی میان قلمرو آگاهی‌ها، پیشرفت‌های طولی طی مراحل مختلف به جای نوسانات تصادفی و افزایش دور مرحله‌ای (به طور متوسط) طی دوران ۶ تا ۱۵ سالگی دلالت می‌کنند. (Selman and Jaquette, 1977)

تغییرات محتوایی با نتایج به دست آمده توسط دیگر پژوهشگران کاملاً

شبه به هم هستند:

۱ - انتظارات خاص (شرکت و عمل متقابل) در نخستین سالهای زندگی انسان و به هنگام پدیدآیی اولین مفاهیم رابطه با دیگری با به عرصه ظهور نهاده و باقی می‌مانند.

۲ - دیگر صفات اسنادی (وفاداری، حساسیت و صمیمیت) بعدها به مرور زمان ظاهر می‌شوند.

با توجه به پیچیدگی شناختی انتظارات شخص در مراحل بعدی تحول، شباهتهای بین تحول عام شناختی و تحول روابط میان فردی آشکار می‌گردند.

بررسی تحول برداشت کودکان و نوجوانان از مفهوم دوستی، صرفاً به ثبت زمان شکل‌گیری ایده‌های نو و نامربوط در سنین مختلف محدود نمی‌شود. تقابل از جمله انتظارات دوستی در تمامی سنین است. شاید بهتر باشد که تغییرات رشدی را به منزله مجموعه‌ای از تحولات و گسترش درک کودک از این گونه تقابلها بدانیم، تا اینکه آنها را صرفاً آمیزه‌ای از عقاید متفاوت و متمایز در رابطه با دوستی تلقی نماییم.

یونس<sup>۵</sup> با الهام از نظریات پیازه (۱۹۳۲) و سالیوان (۱۹۵۶) چهار مورد از فعالیتهای تحقیقی خود را در زمینه تعاریف دوستی‌ها از دیدگاه کودکان، نظریه آنها درباره اینکه دوستی‌ها طبیعتاً از چه وقت آغاز می‌شوند، و نیز اظهاراتشان پیرامون چهارهای حاکم بر نقض تعاملات دوستانه، انجام داده است. وی طی مطالعات خود از مصاحبه با ۳۰۰ کودک ۶ تا ۱۴ ساله در رابطه با برداشت آنها از دوستی به نتایجی دست یافت که مطابق با تحقیقات دیگر پژوهشگران می‌باشد.

اما تحلیل مفصل سیاه‌های مصاحبات انجام شده، نشان داده که اکثر تغییرات اساسی در نحوه استفاده کودک از مفهوم تقابل در روابط اجتماعی رخ می‌دهد. به عنوان مثال، برداشت ذهنی کودکان ۶ تا ۸ ساله از تقابل، ابتدایی و به صورت عینی می‌باشد. کودکان تصور می‌کنند که دوستانشان باید به اندازه آنان در تعاملات اجتماعی سهم باشند. تبادلات

تنها معدودی از پژوهشگران قادر به اثبات همبستگی در نحوه ادراک دوستان و تعامل با آنها در سنین مختلف بوده‌اند.

در واقع برنیت (۱۹۸۱) در میان عموم کودکانی که به سن مدرسه رسیده‌اند، مشاهده نمود که آنان از ربط دادن انتظاراتشان از دوست و پیش‌بینی نحوه رفتار دوستانشان ناتوانند. البته پیش‌بینی تعامل به واسطه شناخت اجتماعی، در هر یک از قلمروهای اجتماعی کار چندان ساده‌ای نبوده است. اما این موضوع بیش از پیش توجه بیشتر پژوهشگران را می‌طلبد.

### ● شباهت میان دوستان

فرض بر این است که شباهت میان افراد تا حدود زیادی عامل جذب آنها به سوی یکدیگر می‌باشد. محققین بر این باورند که همنوایی نگرشها، ویژگیهای شخصیتی، توانایی‌ها، ویژگی‌های فیزیکی و رفتاری، مقدمات دوستی میان دو نفر را فراهم می‌سازند.

اولاً — فرض بر این است که چنین شباهتهایی عامل تعیین‌کننده انتخاب دوست باشند. این بدان معناست که برای همانندسازی فرد با دیگری و نزدیکی و قرابتش با آن شخص، به ویژه در سنین پیش از بلوغ باید مجموعه‌ای از این شباهتها فراهم باشد.

ثانیاً — شباهتها با گذشت زمان، ضامن بقای روابط، در خلال اعتباریابی مستمر هویت اجتماعی شخص می‌باشند که خود نهایتاً شانس او را برای برقراری تعاملات مبتنی بر حمایت اجتماعی افزایش داده و تعاملات ستیزه‌جویانه را به حداقل می‌رساند.

ثالثاً — این گونه شباهتها ممکن است پیامد تعاملات دوستانه بوده و همچنین روابط متقابل میان دو فرد، موجب همگانی رفتاری و نگرشی باشند. با توجه به اینکه تصور کودک از دوستی، بر پایه سازه‌های متقابل ساده و در مورد نوجوانان بر مبنای هویت تسهیم شده می‌باشد، می‌توان پیش‌بینی نمود که شباهتهای رفتاری و نگرشی غالباً در میان آزمودنیهای مشاهده می‌شود که در مقاطع سنی بالا تر قرار دارند.

به هر حال نمی‌توان منکر تأثیر شباهتهای جمعیتی (مانند سن، نژاد، جنسیت) بر روابط دوستانه میان کودکان شد.

رایج‌ترین راهبرد بررسی این مسائل، همبسته ساختن نمرات دوستی متقابل و ویژگی‌های مربوط به آن و در بعضی موارد مقایسه این همبستگی‌ها با داده‌های حاصل از مطالعه بر روی «رفقای اسمی» می‌باشد. غالباً پژوهشگر در یک برهه زمانی، مطالعات مقطعی خود را انجام داده و از این رو برای ارزیابی مفاهیم تحولی و اجتماعی به گونه فوق‌الذکر، مأخذ کافی را در اختیار ندارد.

در نتیجه ارائه تصویری منسجم از نقش شباهتها در دوستی میان کودکان به ویژه از دیدگاه تحولی دشوار است. با این حال شماری از مطالعات اخیر، بر شدت دانش و یقین ما پیرامون شباهتها و نقش آنها در برقراری پیوند دوستی در زندگی روزمره، می‌افزایند. سن و جنسیت غالباً دو ویژگی مشترک بین دوستان می‌باشند. تفاوت‌های سنی در دوستانی که با یکدیگر همکلاسند نسبتاً اندک است (Chalman, 1932).

در واقع توما و هالنیان (۱۹۷۷) به هنگام بررسی رفتار شاگردان کلاس‌های چهارم، پنجم، ششم مشاهده کردند که بطور متوسط تفاوت



مثبت با دیگری سبب می‌شود تا با هم دوست شده و تبادلات منفی آنها را از یکدیگر دور می‌سازد.

بین ۹ و ۱۱ سالگی درک کودکان از تقابل به سوی مفهوم مشارکت سوق داده می‌شود. در واقع تعاون برای آنان هنجار و سازگاری میان فردی دوجانبه محسوب گشته و در باور آنان دوست کسی است که مساوات را رعایت کرده و رفتاری یکسان داشته باشد. کودکان رفته رفته در این تقابل بر اهمیت «فردیت» تأکید می‌کنند. و بالاخره اینکه گذر به مرحله بلوغ در کودکان توأم با گسترش این گونه هنجارهای برابری است. این بدان معناست که دوستان هویتی یگانه دارند و «من» و «تو» به واحد جدا نشدنی «ما» بدل می‌گردد. از این رو احتمال این مسئله که سیر تحولی برداشت ذهنی کودکان، گسترش افق دید آنها پیرامون تقابل و بخشهایی از این ساختار پیچیده در روابط میان فردی می‌باشد، کاملاً امکان‌پذیر است. و این صرفاً به صورت مجموعه‌ای منفصل، مرکب از هنجارهایی که بر روابط میان افراد حاکمند نمی‌باشد.

تفاوت‌های فردی در انتظارات شخص از دوستی تا حدود زیادی مبهم است. با این حال تحقیقاتی که اخیراً توسط سلمن (۱۹۸۰) انجام شده تا حدودی گره از این مشکل می‌گشاید به هر حال فقدان اطلاعات پیرامون ارتباط میان تحول مفهوم بردازی کودکان از دوستی و تعاملات حقیقی آنها با دوستانشان، بر دشواری این امر می‌افزاید. می‌توان شباهتهای مشاهده شده میان انتظارات کودکان از دوستی و تعاملات دوستانه را دنبال کرد اما

سنی دوستان صمیمی و گروههای دونفره تنها ۳ روز (در دو مورد در حدود ۶ ماه) بود.

با این حال همبستگی سنی دانش آموزان و دوستانشان در مدارس ابتدایی و دبیرستانها تا حدود زیادی بالاست. در یک وضعیت مشابه کاپاس (Kapas) برآورد کرد که همبستگی دوستی های دوجانبه ۸۴ درصد بوده و برای گروه کلاسی و مقطع سنی ۶۴ درصد محاسبه شد.

شواهد و مدارک مشابه در رابطه، محصلین مقاطع ابتدایی در دست نیست با این حال بعید به نظر می رسد که از مطالعات مربوطه به این موضوع، نتایج متفاوتی بدست آید. گرایش شدید کودکان به انتخاب دوستی از جنس خود، از این مسئله ناشی می شود که آنان ترجیح می دهند با کودکان هم جنس خود ارتباط برقرار کنند. در واقع آنان به ندرت جنس مخالف را بهترین دوست خود می دانند. در میان ۹۷ مورد از دوستی هایی که به ثبت رسید تنها دو مورد آن میان دو جنس مخالف مشاهده شد. در بسیاری از موارد نتایج مشابه گزارش شد، با این حال توما و هالنیان (سال ۱۹۷۷) دریافتند که ۲۵ درصد از بهترین دوستان، از میان جنس مخالف انتخاب می شوند. همگامی جنسی در میان دو دوست صمیمی نوجوان ۸۱ درصد می باشد که این خود به وضوح بر اهمیت عامل جنسیت در انتخاب دوستان دلالت می کند (Candei).

انتخاب دوست از میان جنس مخالف در کلاس های مختلط کمتر از حد انتظار است و نمی توان چنین امری را تصادفی دانست. گزارش شده که این نسبت به مرور زمان و با افزایش سن، سیر نزولی را می پیماید.

۱ - برخی از پژوهشگران همبستگی مثبت بین هوشبهر دوستان صمیمی را گزارش کردند. (Hartup) کندل نمره متوسط همگامی در میان دوستان نوجوان، در پاسخ به پرسشهای خود سنجی را ۲۹ درصد گزارش کرده است.

۲ - مردم آمیزی (حسن معاشرت) ظاهراً در میان محصلینی مشاهده می شود که تنها یک دوست صمیمی دارند (در مقایسه با گروه های دو نفره) با هم دوست نیستند. فعالیتهای مشارکتی سازمان یافته عمدتاً در دوستی های پسران قابل رویت بوده و مشارکت عام اجتماعی غالباً در میان دختران مشاهده می شود (Chailman, 1932).  
بنابر اظهارات کندل (۱۹۷۸) همگامی فعالیتهای دونفره در میان دوستان نوجوان همسال نیز پائین می باشد (۲۸ درصد).

۳ - پایگاه اقتصادی - اجتماعی وجه تشابه دو دوست محسوب نمی شود (Thorpe, 1955) با این حال، نادیده گرفتن تأثیر پایگاه اجتماعی در میان انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان کارچندان ساده ای نیست.

تاگیوری، کوگان ولانگ (۱۹۸۵) با مشاهده اینکه در مدارس خصوصی دانش آموزان در انتخاب هم اتفاقی خود معیار پایگاه اجتماعی را ترجیح می دهند، چنین نتیجه گیری کردند که بین پایگاه اجتماعی انتخاب شونده و انتخاب کننده رابطه مثبتی وجود دارد.

ساوین و ویلیافر (۱۹۷۹) گزارش کردند که در کمپ های تابستانی نیز کودکان با دوستان خود در مرتبه اجتماعی یکسان بودند. با این حال راف و سلز (۱۹۶۷) همبستگی مرتبه صفر نمرات پایگاه اجتماعی را در میان بیش از ۱۰۰۰۰ کودک همسال و کودکانی که آزمودنی ها آنها را

محبوبترین می دانستند مشاهده نمودند.

پایگاه اجتماعی انتخاب کنندگان با پایگاه «منفوقترین» کودکان همبستگی منفی داشت. به هر حال، مقدار این همبستگی ها چندان زیاد نیست - معیار دوستی ها، با گذشت زمان در صورت یکسان بودن پایگاه اجتماعی دو دوست از نسبت بیشتری برخوردار می گردد. (Tuma and Hlilan, 1977) با این حال هیچگونه شواهد و مدارک مستدلی مبنی بر یکسان بودن پایگاه اجتماعی گروههای همسال وجود ندارد.

۴ - شباهت در نگرشها و ارزشها در مطالعات آزمایشگاهی با جاذبه اجتماعی مرتبط است. اما ارتباط دادن آنها با دوستی میان دونفر در محیط خارج از آزمایشگاه دشوار است. در سال ۱۹۵۵ داویتز مشاهده کرد که اولویت دادن به فعالیتهای گروهی در کودکان و کسانی که آنها را به واسطه گروه سنجی<sup>۱</sup> برگزیده بودند، شبیه به هم بود. به هر حال شباهتهای قابل رویت، بیشتر از شباهتهای واقعی است. تمایل ورود به دانشگاه در نوجوانانی که دوستانشان خواهان ورود به دانشگاه می باشند بیشتر از دیگران است.

مکالمات پژوهشگران بر همگامی نسبتاً اندک تمایلات شغلی و تحصیلی دوستان، به ویژه زمانی که مورد حمایت ارزشهای والدین قرار می گیرند، دلالت می کند.

۵ - وجه تشابه سازه های فردی بین دوستان در مقایسه با جفت های اسمی بیشتر است. (Tack, 1975) با این حال این سازه ها به مرور زمان و با توجه به سن آنان تغییر می کنند. در میان پسران، تأکید بر عوامل تعاملی و فیزیکی به جای استفاده از سازه های واقعی نشان دهنده گذر از مراحل اولیه بلوغ به اواسط این دوره می باشند. حال آنکه در میان دختران این حرکت و جایجایی از سازه های فیزیکی و واقعی به سوی آمیزه ای از سازه های روان شناختی و فیزیکی صورت می گیرد. جامع ترین نمونه از تحلیل شباهتها در روابط دوستان جوان، پیرامون ویژگی های مختلف در نمونه ای شامل ۱۸۷۹ تن از بهترین دوستان بود که از پنج دبیرستان دوستی در نیویورک انتخاب شده بود. مطالعات کاندل (1987b)،

گرایش آزمودنیها و روشهای اجرا با مهارت و دقت انجام گرفته و همگامی های بدست آمده مطالعات پراکنده ای را که پیش از این ذکر شده، به یکدیگر مرتبط می ساختند. بیشترین میزان شباهتها با توجه به عوامل اجتماعی - جمعیتی مانند سن، جنس و نژاد پس از آن شباهت در رفتارهای خاص به ویژه استفاده از داروهای غیر قانونی (که تمامی مطالعات حول محور این موضوع متمرکز بود) و همچنین کمترین وجه تشابه دوستان با یکدیگر در عوامل روانشناختی، نگرشها و روابط میان فردی بود. تفاوت های جنسی در این رابطه مشاهده نشده است.

سنجش و اندازه گیری که تنها در یک مقطع زمانی انجام بگیرد (امری که ویژگی بارز و غالب مطالعات در این زمینه است) ممکن است سبب گردد تا مهمترین ویژگی های ناشی را که شباهتها در روابط همسالان ایفا می کند نادیده بگیریم. بنابراین کندل در سال (۱۹۷۸) مطالعه های طولی خود را با استفاده از داده های بنیادی که طی مطالعاتش بر روی نوجوانان بدست آمد انجام داد. وی دوبار از دانش آموزان آزمون به عمل آورد که



با این حال اهمیت الگوی عمومی فوق، درمیل ادامه به تحصیل، گرایش سیاسی و جرائم کم اهمیت (جنبه) نیز قابل رویت است. محققین با توجه به احتمال این مسئله که روابط دوستانه و همچنین آشنائیا با گذشت زمان دستخوش تغییر و تحول می شوند، نیاز به مطالعات طولی و تحقیقات بیشتری را در این زمینه و در رابطه با دیگر مقاطع سنی دارند.

### رفتار با دوستان

تعیین سنی که در آن نخستین بار دوستی ها در حین برقراری تعاملات اجتماعی شکل می گیرد، غالباً دشوار است. مادران، کودکان را که دائماً با فرزندانشان در رفت و آمدند دوست می نامند.

با این حال در این گونه موارد کودک خردسال انتخاب گریز نیست و مادران به جای اینکه به فعالیتهای دو کودک به دقت توجه کنند، ظاهراً چنین می بندازند که رفتار آنها ویژگی های «روابط دوستانه» را دارا می باشد.

خردسالان پیش از ورود به دبستان بیشترین ساعات خود را به تعاملات اجتماعی با کسانی که عنوان دوست به آنها داده می شود، اختصاص می دهند. به هر حال تفاوت های فردی در میان آنها نسبتاً قابل ملاحظه است.

مشاهده شده که تنها ۲۷ درصد از یک گروه کودکان ۴ ساله در کلاس درس بیشتر وقت خود را به تعاملات اجتماعی با بهترین دوستانشان می گذرانند.

البته تنها معدودی از پژوهشگران، رفتار دانش آموزان مدارس ابتدایی را مشاهده کرده اند: بنابراین شاید در اینجا طرح پرسش زیری مناسب نباشد، آیا انتخابی که به واسطه گروه سنجی انجام شود با تعاملات کودکان مقطع ابتدایی در زمین بازی ارتباط تنگاتنگ دارد؟

با این حال بررسی های زمانی حاکی از آن است که ساعات خارج از مدرسه کودکان، غالباً با دوستانی گذرانده می شود که در میان آنها نوجوانان هم به چشم می خورند.

بنابراین چنین به نظر می رسد که معاشرت کودکان با دوستان، بیشتر از رفقای اسمی شان باشد. آیا تفاوت های کیفی در حین تعامل بین دوستان و آشنایان قابل رویت است؟

به طور کلی، تبادلات مثبت و تقابل در میان دوستان در مقایسه با آشنایان بیشتر است.

مسترس و فورمن: (۱۹۸۱) تعاملات اجتماعی ۹۴ کودک پیش دبستانی را مشاهده نموده و آنها را به سه دسته طبقه بندی کردند.

۱ - تقویت مثبت (دهندگی و پذیرندگی (تبادل دوجانبه))

۲ - کنش های خنثی (تبادل یک جانبه)

۳ - کنش های تنبیهی (تبادل دوجانبه)

مسترس و فورمن این گونه کنشهای اجتماعی طبقه بندی شده را بر حسب روابط کودکان با دوستان، کسانی که از آنها متنفر بودند و رفقای اسمی شان مقایسه کردند.

تقویت مثبت دوجانبه و رفتارهای خنثی در تعاملات کودکان با دوستانشان بیشتر از دیگران بود (دو برابر بیشتر از آشنایان و کسانی که مورد

یکی از آنها در آغاز سال تحصیلی و دیگری در پایان سال تحصیلی بود. سه نمونه از این گروه های دو عضوی را می توان بر مبنای همگامی رفتاری و جمعیتی مقایسه نمود:

۱ - دوستانی که در روابطشان با گذشت زمان هیچ گونه خللی ایجاد نشده بود.

۲ - دوستانی که پس از مدتی از هم جدا شدند.

۳ - کودکانی که در اواخر سال تحصیلی با هم دوست شدند.

نقش وجه تشابه در انتخاب دوست به واسطه عوامل زیر مشخص گردید:

الف - شباهت بیشتر در رفتار و نگرش ها (بار اول) بین کودکانی که روابط دوستانه خود را تا پایان سال ادامه دادند در مقایسه با کسانی که روابط خود را بر هم زدند.

ب - شباهت کمتر (بار اول) میان کودکانی که در پایان سال با یکدیگر دوست نبودند، در مقایسه با کودکانی که در اواخر سال با هم دوست شدند.

ج - شباهت کمتر (بار دوم) بین دوستان قدیمی و کودکانی که تا پایان سال با یکدیگر دوست بودند آنگونه دوستی که در اجتماعی شدن کودک تأثیر می گذارد، دارای ویژگی های زیر می باشد:

۱ - شباهت بیشتر میان دوستان ثابت در بار دوم در مقایسه با بار اول

۲ - شباهت بیشتر میان دوستان جدید در بار دوم در مقایسه با بار اول که با هم دوست نبودند.

بنابراین شباهت بین دوستان را نمی توان تنها به تأثیر متقابل دوستان بر یکدیگر نسبت داد بلکه باید فرایندهای پیوند دهنده را نیز در نظر گرفت.

مطالعات کندل (۱۹۷۸) حاکی از آنست که فرایندهای عطفی در اعتیاد نوجوانان بسیار حائز اهمیت است.



نفرت آنها بودند) البته این امر را نمی توان به تعاملات منفی و تبیهی تعمیم داد.

کنش متقابل دوستانه در میان کودکان پیش دبستانی نیز در مقایسه با تعامل میان آشنایان در مواقع غیر عادی دارای رنگ عاطفی بیش از حد می باشد.

شوارتز (۱۹۷۲) احساسات و عواطف مثبت و بیان کلامی، و تحرک بیشتری را در میان کودکانی که با یکدیگر دوست بودند مشاهده کرد. بنابراین چنین به نظر می رسد که دوستان نیز مانند آشنایان در محیط های نامانوس شدت اضطراب را کاهش و حس کاوش را در کودک افزایش می دهند.

مقایسه بین رفتار دوستان و غیر دوستان (آشنایان)، در میان کودکانی که به سن مدرسه رسیده اند، در محیط های طبیعی انجام گرفت بلکه شرایط مشابه در آزمایشگاه فراهم شد.

در یکی از این آزمایشات، بیان کلامی دوستان در تعامل با یکدیگر بیشتر بوده و غالباً فعالیت و مشارکت را در کنار یکدیگر ترجیح می دادند. اما برای آنها فرقی نمی کرد که فعالیتها را با همکاری دوست و یا غیر دوست انجام دهند (Philip, 1940).

دیگر مطالعات نیز حکایت از آن دارند که ماهیت تعاملات احتمالاً بیش از موفقیت در انجام فعالیتها، تفاوت اصلی میان دوستان و غیر دوستان را ایجاد می کنند.

نیوکامب، برادی، هارتاپ (۱۹۷۹) مشاهده نموده اند کودکان ۶ و ۸ ساله با دوستان و رفقای اسمی فعالیت ساختمان سازی با مکعب را تحت شرایط رقابتی و مشارکتی انجام می دهند.

موقعیت در انجام این کار با توجه به مرتبه دوستی تحت شرایط مشوقانه فرقی نمی کرد، اما در مورد ماهیت تعاملات، قضیه کاملاً متفاوت بود. دوستان تعاملات بیشتری را انجام داده، عاطفی تر بودند و به قوانین مساوات و برابری بیشتر توجه می کردند (اگر نوبت همدیگر را رعایت کنیم. زودتر به نتیجه می رسیم).

آنان در مکالمات خود به جای آنکه یکدیگر را خطاب کنند (مکعب را اینجا بگذار) از ضمیر ما استفاده می کردند «ما این مکعب را اینطوری می گذاریم» طی یکی از فعالیتهای کاوشی نیز نتایج مشابهی به دست آمد در این مورد رفتار دوستان محصل همزمان با یکدیگر انجام شده، رنگ عاطفی داشت و هدایت آن دو طرفه بود.

دانش آموزان کلاس نهم و دهم راهبردهای مشارکتی و رقابتی خود را منسوب به دوستانی می دانستند که به آنها علاقه داشتند، متنفر بودند و یا آنکه احساس خاصی نسبت به آنان نداشتند. به دنبال افزایش میزان کوششها در آزمایش، راهبردها به گونه ای دیگر بدل می شدند.

فعالتهای آزمودنیها به هنگام بازی با شریکی که او را دوست داشتند، مشارکتی تر بوده و تحت تأثیر تغییر رویه ای بود که آن را به دوستان خود نسبت می دادند.

پاسخ دهی اجتماعی در میان کسانی که به سن مدرسه رسیده بودند در وضعیت تعاملی غیر واقعی نیز معیاراً با تبادلات کسانی است که با یکدیگر دوست نیستند.

کودکانی که کارتنهای نام و جری را نگاه کرده و یا به نوارهای خنده دار گوش می کردند، مدت زمان خندیدن، لبخند زدن، نگاه کردن و

صحبت کردنشان با دوستان در مقایسه با آنان که با یکدیگر غریبه بودند، طولانی تر بود. به علاوه، همسازی پاسخ (اندازه همگامی رفتاری بین دو کودک) بین دوستان بیشتر از آشنایان بود.

و بالاخره اینکه گاتمن و بارکهورست (۱۹۸۰) به دنبال بررسی مکالمات دوستان محصل دریافتند که تبادلات آنان در مقایسه با کوچکترها بیشتر از راه دور انجام گرفته (با تلفن و غیره) و همدلی آنها کمتر بود.

این از یک سو بدان معناست که کارآیی ارتباط در میان دوستانی که در مقطع سنی بالاتری قرار دارند، کمتر است و از سویی دیگر بیانگر آنست که کودکان در مقایسه با خردسالان حساستر تر بوده و در مرادوت خود دقیق ترند.

تعامل میان کودکان «دوست» در مقایسه با «غیر دوست» رقابتی تر است. کودکان در رفتار با غریبه هایی که به آنها نیازمند تر از دوستانشانند و یا کسانی که وسایلشان را در اختیار آنها می گذارند سخاوتمندتر از خود نشان می دهند. با این حال زمانی که کودکان مفهوم حق مالکیت را درک می کنند با دوستان خود بیشتر از غریبه ها به رقابت می پردازند و البته به هنگامی که جو رقابتی است پسران بیشتر به این گونه رفتار تمایل دارند.

از سوی دیگر، زمانی که برای انجام فعالیت به کودکان پاداشی تعلق نمی گیرد، دوستان بیش از پیش اموالشان را با یکدیگر قسمت می کنند. ظاهراً خود انگیزختگی و حساسیت که ویژگی تعامل دوستانه است، بسته به شرایطی که در آن فعالیت انجام می شود، روحیه رقابت یا مشارکت را در کودک افزایش می دهند.

### خلاصه

وجه تشابه تمامی تحقیقاتی که اخیراً در زمینه دوستی های کودکان انجام شده، جنبه تحولی آنهاست. انتظار کودک از دوست به مرور زمان تغییر یافته، اما تقابل در تمامی سنین ثابت می ماند.

تعاون و صمیمیت در کودکی و نوجوانی آشکار می گردد و حمایت فردی عمدتاً در دوران نوجوانی شدت می گیرد. شباهت در ویژگی های جمعیتی از عوامل خاص تعیین کننده انتخاب دوست می باشد.

با این حال شباهتهای رفتاری، پیامدهای اجتماعی شدن انتخاب دوست میان نوجوانان را تعیین می کند. مشاهده رفتار کودکان با دوستان و غریبه ها مؤید آنست که تقابل، و ویژگی دوستی ها در تمامی سنین می باشد.

اما همزمانی، همجواری (یکنواختی) و تعاون از جمله خصوصیات هستند که در اواسط دوران کودکی آشکار می گردند. تاکنون فعالتهای پژوهشی درازمدت به منظور تبیین کنش های تعامل دوستانه در مسیر تحول آدمی انجام نگرفته است.

روابط کارآمد اجتماعی در بزرگسالان مستلزم تعامل و تقابل می باشد (مثلاً روابط شغلی و زناشویی).

دادوستد (دهش و پذیرش) لازمه دریافت نتیجه ای مطلوب در روابط، برای هریک از طرفین است. به هر حال تفاوتهای فردی و پیوستگی ها (از کودکی به بلوغ و سپس بزرگسالی) به ویژه در رابطه با این پرسشها از جمله مسائل حل نشده باقی می ماند.

□